

معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶ / سال پانزدهم، شماره ۱ / بهار ۱۳۹۰

Knowledge in Islamic University, 2011 (Spring) 46, Vol. 15, No.1

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام

حسین زارع^۱

ابراهیم نیک‌صفت^۲

چکیده

هدف: این تحقیق به منظور تبیین اهداف خلقت انسان و تبیین تکالیف مهم ارسال پیامبران، به توضیح و ارتباط این دو بُعد و مفاهیم مرتبط با آن از منظر آیات قرآن و روایات معصومین (ع) در راستای نگرش علم روان‌شناسی پرداخته است. **روش:** تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله، پژوهش در حیطه تحقیقات توصیفی و از گونه تحلیل اسنادی به روش کتابخانه‌ای است که اطلاعات جمع‌آوری شده به واسطه تحلیل محتوا، به بررسی تحلیلی متون انتخابی از کتاب و سنت و پژوهش‌های روان‌شناختی پرداخته است. **یافته‌ها:** عقل مرکز ساختاری شناخت و قوای ادراکی است که توانایی ادراک و تشخیص نیکی‌ها و حقایق، تدبیر امور مربوط به مسائل دنیوی، آخروی و... را دارد. علم، به عنوان مجموعه‌ای از معلومات و دانش‌هایی که به صورت آکسایمی یا به صورت حضوری وارد ذهن و عقل انسان شده و به عنوان محتوای آن سازمان در فرایند تعلیم، استعدادهای ساختاری و قوای شناختی عقل را از قوه به فعل تبدیل می‌کند. قلب نیز به عنوان یک جزء ساختاری از خلقت فطری و معنوی انسان، قوای عاطفی و تمایلات را به صورت محتوایی در فرایند تزکیه و تهذیب شکوفا می‌کند. تزکیه، به فرایند شکوفایی و تکاملی نگرشها و کشش‌های مثبت قلب با محتواهای عاطفی، همچون: رحمت، رأفت، انس، الفت، ذکر، انابه و... اشاره دارد که انسان را به کمال و تعالی سوق می‌دهد. تهذیب، به پاک کردن و زدودن دل از تمایلات شهوانی و خواهش‌های نفسانی، با محتواهای منفی همچون: حرص، حسد، بخل، غیض، قساوت و... اشاره دارد که انسان را از حضیض ذلت و سقوط به سوی اسفل سافلین باز می‌دارد. **نتیجه‌گیری:** تزکیه و تهذیب، در دو بُعد نیاز قلب و نفس، به پاک کردن قلب از تمایلات شهوانی و زدودن نفس از گناهان و دل‌ن بستن به مظاهر دنیوی و از بین بردن صفاتی همچون: کبر، غلظت، قساوت، ترس، اضطراب، حسرت و... از یک طرف و شکوفا و بارور کردن استعدادهای مثبت، آرزوها و امیدها در مسیر تقرب و کمال و دستیابی به خصوصیات مثبت و رشد دادن فضایل و کرامات اخلاقی در قلب، مانند صمیمیت، انس، الفت، انابه، آرامش، خشوع و... می‌پردازد.

واژگان کلیدی: عقل، قلب، علم (شناخت)، عشق (عاطفه)، تعلیم و تزکیه.

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۱/۳۰

* تاریخ دریافت: ۸۹/۰۴/۲

۱. دکترای روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور گرمسار/ Email: h_zare@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور گرمسار (نویسنده مسئول) / آدرس: گرمسار، دانشگاه پیام نور/ نمايند: Email: eniksefat@yahoo.com / ۰۲۳۲-۴۶۲۱۳۳۱

مقدمه

درباره علت نامگذاری انسان به این اسم، چندین وجه تسمیه ذکر شده است. در یک وجه گفته شده، ریشه آن «انس» یا «انس» است که به خاطر مأنوس شدن و علاقه‌مند شدن به کسی یا چیزی، آن را بدان نامیده‌اند (راغب، ۱۳۶۲، ص ۹۴). وجه دیگر، در تسمیه را «نسی» گفته‌اند که از نسیان و فراموشی گرفته شده و به خاطر از یاد بردن و فراموش کردن به این نام معرفی شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۰). با توجه به این دو ریشه، می‌توان گفت دو بُعد عاطفی (انس گرفتن) و شناختی (فراموشی) در این نامگذاری مورد توجه بوده است.

هر چند کاربرد انسان و موارد مفهومی آن در قرآن و روایات مختلف و گسترده است، اما در بسیاری از کاربردها، این دو بُعد اساسی، مورد استناد قرار گرفته است. در برخی آیات، بُعد عقلانی و شناختی انسان مورد توجه بوده است. به عنوان نمونه، خدای متعال، اهل کتاب را مخاطب قرار داده، می‌فرماید: «آیا در حالی که کتاب را می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ چرا تعقل نمی‌کنید؟» (بقره، آیه ۴۴). روایات فراوانی نیز در خصوص معرفی عقل و شناخت در انسان وجود دارد که آن را به عنوان اساس وجود او معرفی کرده است. در حدیث پیامبر خدا (ص) فرمودند: «ای گروه قریش! همانا تبار آدمی، دین او و جوانمردی‌اش، خلقت و خوی و اساس او، عقل آن است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۳۸۲). امام علی (ع) می‌فرماید: «ارزش هر کس به اندازه شناخت اوست. همانا خدای متعال انسانها را بر اساس مقدار عقولشان مورد ارزیابی قرار می‌دهد» (همان، ج ۱، ص ۱۰۶). چنانچه مشاهده می‌شود، بُعد شناختی و عقلانی انسان در این استنادات، مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین در آیات و روایاتی دیگر، بُعد عاطفی انسان مدنظر قرار گرفته است. در آیه‌ای، بعضی از تعلقاتی را که انسان به آنها انس می‌گیرد، معرفی کرده، می‌فرماید: «در چشم انسانها، عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان و فرزندان و کیسه‌های زر و سیم و اسبان داغ برنهاد و چارپایان و زراعت زینت داده شده است» (آل عمران، آیه ۱۴). روایات فراوانی نیز در اهمیت قوای عاطفی وارد شده است. امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «اصل و تبار انسان، دل اوست و خردش دین او و مردانگی‌اش جایگاهی است که خود را در آن قرار دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۲).

۱. یا مَعَشَرَ قُرَيْشٍ! إِنَّ حَسَبَ الرَّجُلِ دِينَهُ، وَمُرُوَّتَهُ خُلُقُهُ، وَأَصْلُهُ عَقْلُهُ.

۲. وَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ، أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ أَمْرٍ، وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ.

۳. أَصْلُ الْإِنْسَانِ نَبْهٌ، وَ عَقْلُهُ دِينُهُ، وَ مُرُوَّتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

بحث ارتباط علم و عشق، از جمله مباحثی است که از قدیم در علوم مختلفی مطرح بوده و امروزه نیز در رویکردهای روان‌شناسی تحت عنوان شناخت و عاطفه، مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. برخی از روان‌شناسان همچون فروید، معتقدند که انسان بر مبنای اصل لذت عمل می‌کند. فروید، عواطف و هیجانات را منشأ تحولات روحی و روانی و ساختار شخصیت فرد می‌داند. در مقابل، شناخت‌گرایان معتقدند زندگی انسان و رفتارهای او تحت تأثیر اعتقادات، افکار و انتظاراتی قرار دارند که او در ذهن خود دارد. اگر این رویدادهای ذهنی تغییر کند، تغییر شخصیت و به تبع آن، تغییر رفتار را در پی خواهد داشت (پروین^۱، ۱۳۷۲، ص ۲۳). بر این اساس، دو رویکرد مهم روان‌شناسی؛ یعنی روان‌تحلیلی (روان‌کاوی)^۲ و شناخت‌گرایی^۳ بر مبنای تأکید بر عواطف^۴ یا شناخت^۵ به مطالعه روان انسان می‌پردازند.

مارفی و زایونک^۶ (۱۹۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «راهنمای عاطفی از عوامل عقلی»، به بررسی این سؤال پرداخته‌اند که چگونه هیجان، شناخت را کنترل می‌کند؟ یا چگونه هیجانات و خلق و خو، رنگ شناختی می‌گیرند؟ چگونه چنین واکنشی، هم بر قضاوتها و هم بر عملکرد شناختی تأثیر می‌گذارد؟ مارفی و زایونک به این نتیجه رسیده‌اند که وقتی قضاوتها ارزیابی می‌شوند، یک تأثیر مثبت عملکرد، ممکن است به عنوان یک نگرش مثبت به سوی یک شخص یا یک شیء استنباط شود؛ اما وقتی یک عامل بر تکلیف شناختی تمرکز می‌کند، عاطفه مثبت ممکن است عملکردی مانند بازخورد درباره ارزش رویکرد شخص داشته باشد. آنها همچنین در مطالعه‌ای دیگر، از شرکت‌کنندگان خواستند که قضاوتهای شناختی از چهره‌های زنان و مردانی داشته باشند که با حروف چینی علامت‌گذاری شده بودند. آنها نتیجه گرفتند که، فرایندهای عاطفی سریع‌تر از فرایندهای شناختی پردازش می‌شوند. فرایندهای عاطفی اولیه از محرکها، خیلی از فرایندهای شناختی بعدی متفاوت هستند. (Clore & Palmer, 2009)

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «اثرات عملی هیجان در شناخت و رفتار»، نویسنده به تأثیرات عملی ارزیابی شده از هیجان در شناختها و رفتارهای غیر انطباقی پرداخته است. نویسنده بررسی کرده که آیا هیجانات منفی یا مثبت، موجب افزایش یا کاهش نگرشهای شرکت‌کنندگان می‌شود و رفتارهای عقبگردی را درخواست

1. Pervin

2. Psychoanalysis Approach

3. Cognitive Approach

4. Affection

5. Cognition

6. Zajonc & Marffi

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۶۹

می‌کند. در یک مطالعه (با تعداد ۱۶۴ نفر) که شرکت‌کنندگان از کلیپ‌های ویدیویی استفاده می‌کردند، برای بررسی اثرات اینکه آیا هیجان در نگرش افراد تأثیر دارد؛ نتیجه گرفتند که شرکت‌کنندگان در شرایط هیجانی منفی، به سوگیری بیشتری نسبت به هیجان مثبت تمایل دارند. (Tashiro & Frazier, 2007)

روان‌شناسان شناختی، به مطالعه ادراک، یادگیری، یادسپاری و تفکر افراد درباره اطلاعات می‌پردازند و اصل را بر شناخت در انسان می‌دانند. بر این اساس، لازاروس و اسمیت^۱ (۱۹۹۳) تأثیر شناخت را بر هیجان مطالعه کرده‌اند (استرنبرگ^۲، ۱۳۸۷، ص ۴۸۹). در مقابل، زیونک (۱۹۸۰) ادعا کرد که ما اغلب، ارزیابی‌های عاطفی درباره افراد یا اشیاء داریم، حتی اگر اطلاعات کمی نسبت به آنها داشته باشیم. برخی دیگر، مانند هیوم، از این فراتر رفته و ادعا کرده‌اند که «استدلال فقط برده احساسات است و باید این گونه باشد و نمی‌تواند جز خدمت به آنها و اطاعت از آنها وانمود کند که کار دیگری انجام می‌دهد». (Clayton, & Myers, 2009, P.54)

درباره اولویت شناخت یا عواطف در انجام امور عبادی انسان، تحقیقی به وسیله نیک‌صفت (۱۳۸۹) انجام شده است. این تحقیق در راستای بررسی این موضوع است که افراد مؤمن و مسلمان، انجام عبادات (اعم از فعل واجبات و ترک محرمات) خویش را بر مبنای اعتقاد و علم، یا علاقه و عشق انجام می‌دهند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری در انجام عبادات، بین پسران بر مبنای شناخت وجود دارد؛ یعنی پسران اعمال خود را بیشتر بر مبنای اعتقاد و شناخت انجام می‌دهند. در مقابل، در اولویت عشق نیز، میانگین زنان به طور معنی‌داری از مردان بیشتر است؛ یعنی بیشتر اعمال زنان، بر اساس عواطف و علائق انجام می‌پذیرد. در ارتباط بین جنسیت و اعمال واجبات یا ترک محرمات، نتایج نشان داد که در انجام واجبات، میانگین مردان به طور معنی‌داری از میانگین زنان بیشتر و به عکس در ترک محرمات، میانگین زنان به طور معنی‌داری از مردان بیشتر است.

حال پس از بررسی مختصر مباحث مقدماتی درباره شناخت و عاطفه و ذکر تحقیقات انجام شده در این رابطه، به تبیین رابطه قوای شناختی و عاطفی و مفاهیم مرتبط با آنها، از منظر آیات و روایات پرداخته می‌شود. سؤال کلیدی تحقیق این است که جایگاه و ارتباط مفاهیم مهم مطرح شده در دین، مانند علم، عشق (محبت)، تعلیم، تزکیه، عقل، قلب و ...؛ در سازمان روانی شناختی و عاطفی انسان چگونه است؟ بر این اساس، در ادامه به بررسی این مفاهیم کلیدی در دو بخش قوای شناختی و عاطفی از منظر اسلام پرداخته می‌شود.

1. Lazarus & Smith

2. Sternberg

قوای شناختی

توانایی اندیشه‌ورزی و قدرت شناخت انسان، یکی از اختصاصات وجودی اوست که تاریکی‌های درون او را روشن کرده، راه هدایت را برای او آشکار می‌کند. بُعد شناختی در قرآن، یکی از ابعاد مهم سرشت روانی است که با مفاهیمی همچون: علم، فقه، فکر، حفظ، فهم، ظن، عقل، لب، عرفان، حساب، تدبیر، تأمل و... بیان شده است. علاوه بر تفاوت معنایی و کارکردهای مختلفی که هر یک از این مفاهیم دارند، نقطه اشتراک آنها، این است که به توانایی‌های شناختی و عقلانی انسان اشاره دارند.

آنچه از این مفاهیم و کاربردهای آن در قرآن و روایات استفاده می‌شود این است که برخی از این مفاهیم به ساختار شناختی، برخی دیگر به محتواهای معرفتی و بعضی به فرایندهای شکل‌گیری آن معارف اشاره دارند. عقل، علم و تعلیم، سه مفهوم کلیدی به کار رفته در قرآن و احادیث معصومین (ع) است که به نظر می‌رسد هر کدام به یکی از وظایف مهم شکل‌گیری شناخت اشاره دارند. اینک به اختصار به بررسی سه مفهوم مهم ساختاری، محتوایی و فرایندی مرتبط با قوای شناختی پرداخته می‌شود.

الف) عقل

«عقل» و مشتقات مرتبط با آن، یکی از محوری‌ترین موضوعات مرتبط با شناخت است. در زبان عرب، به ریسمان و جبلی که حیوان را به میخ و محوری ببندند تا از حریم دایره آن تجاوز نکند، «عقال» گفته می‌شود. عقال، به معنی نگه داشتن، بازداشتن و حبس کردن است، همانند بستن شتر با ریسمان که عقال، شتر و حیوان را از حرکت بیجا بازمی‌دارد. عقل، همان ریسمان رهایی انسان از انگیزه‌های شیطانی برای نگهداری او در محدوده و حریم شریعت و متعهد کردن او به مرکز و مقصود جهان هستی است تا از مرزهای مقررات خالق تجاوز نکند. اطلاق نام عقل، بر آن نوع از ادراک انسان که به آن اعتقاد می‌بندد و آن را درک می‌کند و بر نیرویی که به واسطه آن، خوب و بد و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، به همین سبب و از همین معناست. بر این اساس، مراد از عقل در سخن خداوند متعال، آن ادراکی است که همراه با فطرت سالم برای انسان حاصل می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۷)

در روایتی، پیامبر خدا (ص) در تعریف عقل می‌فرماید: «عقل، پیروی از دستورهای خداوند است. به درستی که عاقلان، کسانی هستند که فرمان خداوند را پیروی می‌کنند» (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۱). امام صادق (ع) می‌فرماید: «عقل آن چیزی است که به وسیله آن، خدای رحمان عبادت شود و

۱. الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَإِنَّ الْعَمَالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۷۱

بهشت به دست آید»^۱ (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱). در روایات دیگر، عقل به عنوان پیامبر درونی مُلازم با انبیا معرفی شده^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۱۶) که انسان را به هدایت و رستگاری راهنمایی کرده^۳ (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵)، حیات و زندگی به انسان می‌بخشاید^۴ (همان، ج ۱، ص ۲۸). در یک تقسیم‌بندی، عقل به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود که عقل نظری، قوه درک کلیات را به دست می‌دهد و عقل عملی، قدرت تدبیر زندگی و سعادت اخروی یا قوه تمیز خوب و بد را فراهم می‌آورد. (نراقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۸)

آنچه از تعابیر پیش گفته درباره عقل فهمیده می‌شود این است که عقل، به عنوان یک سازمان و ساختار روانی در روح و فطرت انسان است (همانند مغز در بدن) که وظایفی همچون: تنظیم‌کننده هدفها، شکوفاکننده توانایی‌ها، تدبیرکننده امور، تشخیص‌دهنده حقایق و... را به عهده دارد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «پشتوانه انسان، عقل است و با عقل، انسان به کمال می‌رسد و عقل، راهنمای او و مایه بینش و بصیرت و کلید کارهای اوست»^۵ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۰۱). پیامبر اعظم (ص)، درباره وظایف عقل و کاربرد و توانایی‌های آن می‌فرماید: «هیچ عقلی همچون تدبیر نیست» (نهج الفصاحه، ص ۵۲۳)؛ «همه خوبی‌ها را با عقل می‌توان دریافت و دین ندارد آنکه عقل ندارد» (همان، ص ۱۹۲)؛ «همانا عقل، راهنما و راهبر علم است»^۶ (همان، ص ۴۱۵). در برخی از کتب فلسفی، درباره تفسیر عقل، سخنی به امام علی (ع) نسبت داده شده که منطبق با همین معناست؛ حضرت می‌فرماید: «عقل، گوهری درک‌کننده است که بر حقایق از همه جهت، احاطه دارد و اشیا را قبل از آفرینش می‌شناسد. این گوهر، علت موجودات و پایان خواسته‌هاست»^۷ (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷)

ب) علم

«علم» یکی دیگر از واژه‌های مهم در قوای شناختی انسان است. علم در لغت، به معنای دانش، شناخت، آگاهی، دانایی و ادراک حقیقت اشیا تعبیر شده و در تعریف اصطلاحی آن گفته شده است: بر آثاری در اشیا دلالت می‌کند که به واسطه آن از غیر خود تمییز داده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۰۵). علم، به

۱. قلت له: ما العقل؟ قال: ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان.

۲. العقل شرع من داخل والشرع عقل من خارج.

۳. فیکرک یتهدیک الی الرشاد.

۴. التّفکر حیاة قلب البصیر.

۵. دعامة الإنسان العقل، و بالعقل یکمّل و هو دلیلّه و مبصره و مفتاح امره.

۶. إنما یدرک الخیر کلّه بالعقل ولا دین لمن لا عقل له.

۷. العقل جوهر ذرّات، مُحیط بالأشياء من جمیع جهاتها، عارف بالشیء قبل کونه فهو علّة الموجودات و نهایة المطالب.

۷۲ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶/ سال پانزدهم، شماره ۱/ بهار ۱۳۹۰

مجموعه‌ای از معلومات و دانشهایی اشاره دارد که به صورت اکتسابی یا حضوری وارد ذهن و عقل انسان می‌شود. مراد از علوم اکتسابی، دانشهایی است که از مجرای حواس پنج‌گانه بیرونی وارد عقل می‌شود؛ ولی علم حضوری، به دانشهایی اشاره دارد که خارج از مجاری مادی به صورت درونی وارد عقل شده و ادراک می‌شود. علم نیز به دو گونه سرشتی (ذاتی) و شنیدنی تقسیم شده است که امام علی (ع) فرمودند: «اگر علم سرشتی نباشد، علم شنیدنی برای انسان سودی نمی‌بخشد.»^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۸)

درباره محتوای علم برای عقل، علاوه بر برخی روایات ذکر شده در بحث عقل، احادیث فراوان دیگری درباره این موضوع وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. پیامبر (ص) فرمودند: «دلی (عقلی) که در آن چیزی از حکمت نباشد، مانند خانه‌ای مخروبه است؛ پس، دانش بیاموزید و بیاموزانید و فهمیدگی به دست آورید»^۲ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۲). امام علی (ع) فرمودند: «عقل، مادرزادی است و دانش، به دست آوردنی»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۰)؛ دانش، زندگی‌بخش جان است و روشن‌کننده خرد و میراننده نادانی؛ علم چراغ و روشنایی‌کننده عقل و بهترین هدایتگر آن است»^۴ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۳). در روایت دیگری، امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «هوشمندی و فهمیدگی و حافظه و دانش انسان، از عقل برمی‌خیزد؛ پس، هر گاه عقل انسان با نور [الهی] تأیید شود، دانا، حافظ، تیزهوش، زیرک و فهمیده می‌شود.»^۵ (همان، ج ۷، ص ۵۰۱)

ج) تعلیم

«تعلیم» واژه مهم دیگری در قوای شناختی است که در آیات و روایات به کار رفته است. تعلیم (بر وزن تفعلیل که به معنای تعدیه و تعدی می‌آید) به معنی دانش‌افزایی و شکوفایی علم به کار برده شده و در تعریف اصطلاحی آن نیز گفته شده است: تعلیم، به معنی اتخاذ تدابیر برای انتقال دانشها، ارزشها، مهارتها و باورهایی است که درستی و کارایی آنها ضمن تجارب گذشته آدمیان به اثبات رسیده است (شکوهی، ۱۳۸۱، ص ۴۸). آموزش و تعلیم آنگاه به کار می‌آید که زمینه‌ای برای پدید آمدن تغییری در نوآموز وجود داشته باشد؛ چنانکه او را به انجام دادن کارهایی توانا سازد و بر دایره امکانهای او بیفزاید. (مهدیان، ۱۳۸۵، ص ۵)

۱. العلمُ علماً: مطبوعٌ و مسموعٌ، و لا ینفعُ المسموعُ إذا لم یکن المطبوعُ.

۲. قلبٌ لیسَ فیهِ شیءٌ مِنَ الحِکْمَةِ کتبتُ حَرْبٌ، فَتَعَلَّمُوا، وَ عَلَّمُوا، وَ تَفَقَّهُوا.

۳. الْعَقْلُ وَادَّةٌ وَ الْعِلْمُ إِفَادَةٌ وَ مَجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ.

۴. الْعِلْمُ مُحْيِي النَّفْسِ، وَ مُنِيرُ الْعَقْلِ، وَ مُمِيتُ الْجَهْلِ؛ الْعِلْمُ مَصْبَاحُ الْعَقْلِ" وَ "الْعِلْمُ أَفْضَلُ هَدَايَةٍ.

۵. مِنَ الْعَقْلِ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ، فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدٌ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَكِيًّا فَطِنًا فَهِمًا.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۷۳

قرآن کریم، در چندین آیه (آل عمران، آیه ۱۲۹؛ بقره، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲)، هدف بعثت پیامبران را تعلیم کتاب و حکمت معرفی کرده است. پیامبر اعظم (ص) هدف بعثت خویش را به طور خاص، تعلیم بیان فرموده‌اند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۴) و امام علی (ع) در توضیح وظایف تعلیمی و دانشوری انبیا می‌فرمایند: «همانا پیامبران برای هویدا و شکوفا کردن گنجهای نهفته عقلی انسان برگزیده شده‌اند».^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۱)

براین اساس، می‌توان گفت این اشاره و شکوفایی عقل است که بیشتر مورد نظر است و باعث رشد و تکامل انسان می‌شود. امام علی (ع) در روایتی دیگر، تعلیم را یاری‌رساننده‌ترین چیز برای شکوفایی و رشد عقل (فرایند) بیان فرموده‌اند.^۳ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۲۶)

استاد مطهری از تعلیم، به عنوان «پرورش عقل و فکر» یاد می‌کند که هدف از آن، صرفاً انباشتن یک سلسله معلومات، اطلاعات، دانش و... در ذهن متعلم نیست؛ بلکه هدف، ایجاد رشد عقلانی و استقلال فکری (همچون قدرت استنباط) در ذهن فراگیرنده است (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۳). وی برای تأیید بیان خویش، به سلسله روایاتی از معصومین (ع) اشاره می‌کند که دانشمندانی را که بدون تعقل و تفکر، هر حرف شنیده شده‌ای را نقل می‌کنند، مذمت می‌فرمایند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای جهالت انسان همین بس که او هر چه را می‌شنود، نقل می‌کند». یا روایاتی که به تدبیر در کلمات اشاره دارند؛ از جمله: «همانا صراف و نقد کننده کلام باشید».^۴ (همان، ص ۱۹)

از روایات پیش‌گفته استفاده می‌شود که: تعلیم، فرایند شکوفایی و فعلیت عقل (ساختار) و قوای ذهنی و شناختی انسان است که دانش و علم (محتوا) در آن، ظرف و سازمان (عقل) قرار گرفته و با درک و فهم واقعیت اشیا، قوه شناختی انسان به رشد و شکوفایی می‌رسد. این نوع دانش است که قدرت درک حقایق را برای انسان ایجاد کرده و کمال و معرفت را به دنبال دارد. این التزام در تعریف علم، در روایتی از امام علی (ع) بیان شده است که می‌فرماید: «دانش، زنده کننده روح و روشن کننده عقل و از بین برنده نادانی است».^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۶۵)

اندیشه‌ورزی و علم‌آموزی (تعلیم) در اسلام، نه تنها موجب رشد و شکوفایی عقل و قوای شناختی انسان، بلکه موجب رفعت و برتری درجات معنوی انسان می‌شود. بر این اساس، دانشمندان و اندیشمندان،

۱. بالتعلیم أرسلت.

۲. ویشروا لهم دفائن العقول.

۳. أَعُوذُ الْأَشْيَاءِ عَلِيَّ تَزَكِيَةَ الْعَقْلِ التَّعْلِيمِ.

۴. كُنْفِي بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ مُحَلَّتْ بِكُلِّ مَسْمُوعٍ؛ كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.

بسیار مورد توجه و تکریم دین قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم(ص) در فضیلت آنها می‌فرمایند: «نزدیک‌ترین مردم به درجه پیامبران، مجاهدان و دانشمندانند»؛ «جوینده دانش رکن اسلام است و مزدش همراه با پیامبران داده می‌شود»؛ «علما، چراغهای روی زمین و جانشینان انبیا و وارثان من و وارثان پیامبران می‌باشند».^۱ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۸)

قوای عاطفی

«عاطفه»، از ریشه «عطف» به معنای توجه، کشش و میل است. عواطف، احساسهایی هستند که در ارتباط با یک موجود زنده دارای شعور دیگر، در نفس انسان تحقق یافته، او را وا می‌دارد تا به نفع آن گامی بردارد، یا دست‌کم با وی اظهار همدردی یا احساس ترحم و یگانگی کند. مقصود از عاطفه در این بحث، کشش نفسانی یک انسان نسبت به موجود یا انسان دیگر است؛ شبیه آنچه میان آهن و آهنریاست. آدمی در چنین حالتی احساس می‌کند که به سوی چیزی یا کسی کشیده می‌شود. این میل و کشش، همراه با لذت (به صورت مادی یا معنوی) و احساس است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۷)

پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی عاطفه، اینک به بررسی سه مفهوم مهم ساختاری، محتوایی و فرایندی مرتبط با قوای عاطفی؛ یعنی قلب، عشق (محبت) و تزکیه اشاره می‌شود.

الف) قلب

قلب، همانند عقل، یکی از مفاهیم کلیدی سازمان روانی انسان است. با توجه به کاربرد فراوان قلب در قرآن، می‌توان نتیجه گرفت که اصطلاح قلب در قرآن، با قلب مادی کاملاً متفاوت است و شاید بتوان گفت که قلب در هیچ کجای قرآن، به معنی جسمانی آن به کار نرفته است؛ چرا که اصولاً هیچ یک از این کارها را نمی‌توان به اندام بدنی نسبت داد و حتی در بعضی صفات نادر، مثل سلامت و مرض که می‌توانند صفات قلب مادی هم باشند، قراین محفوظه به خوبی نشان داده است که منظور از سلامت و مرض، مفهوم مادی و جسمانی آن دو نیست، بلکه جنبه‌های روانی، اخلاقی و معنوی آن مورد نظر است. (همان، ج ۱، ص ۲۳۵)

یکی از اساسی‌ترین وظایف قلب، همانند قلب صنوبری در بدن که مسئول حیات مادی و ممات جسمانی بدن انسان است، این قسم از خلقت غیر مادی (روح) نیز مرکز حیات معنوی (جاوید) و ممات حقیقی روحی و روانی انسان است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۰۹). علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

۱. أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبِيِّ أَهْلُ الْجِهَادِ وَأَهْلُ الْعِلْمِ، طَالِبُ الْعِلْمِ رُكْنُ الْإِسْلَامِ، وَيُعْطَى أَجْرَهُ مَعَ النَّبِيِّينَ، الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ، وَخُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَرَثَتِي وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۷۵

مبدء حیات، قلب است؛ زیرا حیات و زندگی انسان در نخستین مرحله‌اش به قلب تعلق می‌گیرد و در آخرین مراحل نیز از قلب جدا می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۳۲). بر این اساس، آیات فراوانی وجود دارد که در آنها «حیات و ممات» (محمد، آیه ۲۰)، «بیماری و مرض» (بقره، آیه ۱۰)، «صحت و سلامت» (شعراء، آیه ۸۹) و... به قلب نسبت داده شده است.

علاوه بر وظیفه اصلی حیات قلب، بیشترین کاربردهای قلب در قرآن، ویژگی‌های احساسی، عاطفی و هیجانی است. این بُعد از ابعاد وجودی انسان، او را برای انجام کاری، تشویق یا برای ترک عملی، ترغیب و تحریک می‌کند. بر این اساس، واژه‌هایی مانند «هوی و هوس» (بقره، آیه ۸۷)، «میل و گرایش» (نساء، آیه ۲۷)، «امید و رجا» (عنکبوت، آیه ۵)، «خوف و خشیت» و... از کارهای قلب در قرآن مطرح شده و در روایات فراوانی، خواهشها، تمایلات، شهوات و... از کاربردهای قلب بیان شده است. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «همانا دلها دارای خواهش هستند؛ گاه به چیزی رو می‌کنند و گاه رو می‌گردانند. همانا دلها را رو آوردنی است و رو گرداندنی» (محمدی ری شهری، ج ۹، ص ۵۱۸). امام صادق (ع)، قلب را به عنوان کانون عواطف و احساسات معرفی کرده، می‌فرماید: «جایگاه خرد، مغز است و قساوت و رقت در دل وجود دارد» (همان، ص ۴۹۷). علامه طباطبایی، آثار و خواصی مانند اراده، عشق، نفرت، بیم، امید، خوف، رجا، میل، علاقه، لذت، شادی و... را از کارهای قلب بیان می‌فرماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۳۲)

با توجه به استنادات داده شده به قلب معنوی، می‌توان گفت قلب، مرکز قوای عاطفی هیجانات است که دارای دو بُعد است؛ یک بُعد، تمایلات شهوانی و خواهشهای نفسانی است که این میل منفی در قرآن، به نفس اماره تعبیر شده است. این بُعد از وجود، گرایش به تمایلات حقیر دنیایی و گناهانی است که با ویژگی‌هایی همچون: ترس، اضطراب، حسرت، غیظ، قساوت، غلظت، غفلت، زیغ، نفاق، انکار، حسد، اندوه، ندامت و... (ویژگی‌های منفی)، در قرآن معرفی شده‌اند. از طرف دیگر، گرایش قلب به سوی تمایلات عاطفی مثبت است که تشویق‌کننده و حرکت‌دهنده قلب به سمت ویژگی‌هایی همچون: رحمت، رأفت، انس، الفت، ذکر، توجه، انابه، اطمینان، آرامش، خشوع و... (ویژگی‌های مثبت) می‌باشد. بنابر این، قلب مرکز صفات و خصوصیات است که نوعی میل، حرکت، کشش و... در آنها وجود دارد، که یا انسان را به سوی صعود کمالی اعلی‌علیین یا به سوی سقوط نزولی اسفل سافلین سوق می‌دهد.

۱. إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَ وَإِدْبَارًا، فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا، إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَأَحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ.
۲. مَوْضِعُ الْعَقْلِ الدَّمَاغُ، وَالْقَسْوَةُ وَالرَّقَّةُ فِي الْقَلْبِ.

ب) محبت

محبت، عشق، مودت و واژه‌های مرتبط با آن مانند الفت، رأفت، رحمت و... از جمله مفاهیمی‌اند که به عنوان مفاهیم عاطفی و کاربردهای محتوایی قلب در انسان به آنها اشاره شده است. محبت، یکی از عواطف جذاب است که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در دل موجود زنده ایجاد می‌شود و او را به سوی شخص یا چیز دیگری جذب می‌کند. این مفهوم و واژه‌های مرتبط با آن، از احساسات و عواطف ذاتی در انسان است که در ارتباط با یک موجود زنده و ذی‌شعور دیگر در نفس انسان تحقق می‌یابد و وی را می‌دارد تا به نفع آن موجود دیگر گام بردارد یا حداقل با وی اظهار همدردی یا احساس ترحم و یگانگی کند؛ حالتی که در دل یک موجود زنده، نسبت به چیزی که با وجود او ملایمتی و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد، پدید می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۱۵)

قرآن کریم، خداوند متعال را «مُعطی محبت» معرفی کرده که در انسان به ودیعه گذاشته و هیچ کس غیر او، توانایی ایجاد آن را نداشته است (انفال، آیه ۶۳). محبت از جمله نعمات الهی بیان شده که موجب برادری و صمیمیت بین انسانها می‌شود (آل عمران، آیه ۱۰۳). بر این اساس، امام صادق (ع) می‌فرماید: «نیکوکاران، وقتی با هم روبه‌رو می‌شوند، اگر چه دوستی خود را به زبان نیاورند، دل‌هایشان با همان سرعتی که قطرات باران در آبهای رودخانه‌ها به هم می‌پیوندند، به یکدیگر می‌پیوندند و بدکاران، وقتی با هم روبه‌رو می‌شوند، اگر چه به زبان اظهار دوستی کنند، دل‌هایشان از یکدیگر دور است، همچون دوری دل‌های بهایم از یکدیگر، هر چند مدت‌های طولانی بر سر یک آخور با هم علوفه خورند». (محمدی ری‌شهری، ج ۴، ص ۵۴۰)

«عشق» یکی دیگر از عواطف است، که علاقه شدید قلبی و محبت زیاد معنی و از ماده «عَشَقَ» گرفته شده است و آن در عربی نام گیاهی است که به هر چیز برسد در آن می‌پیچد، آن را تقریباً محدود و محصور می‌کند و در اختیار خود قرار می‌دهد. این گیاه در فارسی، پیچک خوانده می‌شود. در انسان حالت محبت شدید که او را منحصرأ متوجه محبوب می‌کند، نوعی یگانگی بین فرد و محبوبش به وجود می‌آورد و همه چیز فرد را در اختیار محبوبش قرار می‌دهد، عشق خوانده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰،

۱. وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَا كُنَّ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.
۲. وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.
۳. سَمِيَ الْعَاشِقَ عَاشِقًا لِأَنَّهُ يُدْبِلُ مِنْ شِدَّةِ الْهَوَى كَمَا تَدْبِلُ الْعَشْفَةُ إِذَا قَطَعَتْ، وَ الْعَشْفَةُ: شَجَرَةٌ تَخْضُرُ ثُمَّ تَدِقُّ وَ تَصْفُرُّ.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۷۷

ص ۲۵۱). عشق به معنای محبت شدید همراه با تکلف و علاقه خاص و اوج علاقه، عواطف و احساسات است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۱۵). هر چند در قرآن کریم، لفظ عشق به کار نرفته، ولی معنای آن که همان مبالغه و افراط در محبت است، به عنوان محبت شدید یاد شده است: «کسانی که ایمان آوردند، شدیدترین محبت را به خدا دارند»^۱ (بقره، آیه ۱۶۵). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بافضیلت‌ترین مردم کسی است که به عبادت عشق می‌ورزد و دست به گردن آن می‌آویزد و آن را با قلبش دوست دارد و با بدنش به آن اقدام می‌ورزد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۵۳).

«مودت» نیز یکی از مفاهیم عاطفی است که در ظاهر معنایی بین محبت و عشق را می‌رساند. «ودود»، یکی از اسمای حسناى الهی در قرآن بیان شده است. قرآن کریم در آیه‌ای، برقرار کردن پیوند عاطفی قوی بین مؤمنان و اولیای خدا و اقربای پیامبر اکرم (ص) را درخواست کرده و فرموده است: «بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت و محبت نسبت به اقربا و نزدیکانم»^۳ (شوری، آیه ۲۳) و در آیه‌ای دیگر، رابطه میان زوجین را نیز با کلمه مودت و رحمت تعبیر کرده است^۴ (روم، آیه ۲۱). در واقع؛ در این آیه، رابطه اصلی زوجین که موجب اتحاد دو روح و پیوند و یگانگی آنها می‌شود، با عشق، مودت، صفا و صمیمیت و دوست داشتن شدید بیان شده است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۹۲)

ج) تزکیه

تزکیه و تهذیب، از مفاهیمی است که در فرهنگ قرآنی و دینی، همواره با تعلیم به کار رفته است. معنای لغوی آن، زدودن و پاک گردانیدن بیان شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۴). راغب، تزکیه نفس را به معنی رشد دادن و شکوفا کردن نفس و جان بیان کرده است؛ به طوری که انسان به صفات و خصوصیات شایسته و خوب موصوف شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۸۰). همراهی تزکیه با تعلیم در قرآن، با توجه به هم‌معنا بودن آن دو، که به معنی رشد و شکوفایی آمده است؛ نشان می‌دهد که متعلق این دو، باید با هم متفاوت باشد. چنانچه بیان شد، متعلق تعلیم، عقل و قوای شناختی است و به نظر می‌رسد متعلق تزکیه نیز قلب، به عنوان ساختار عاطفی در وجود فراطبیعی انسان باشد؛ یعنی همچنان که تعلیم، فرایندی است که طی آن، علم و دانش در عقل قرار گرفته و باعث شکوفایی و کمال شناختی انسان می‌شود؛ قلب نیز در اثر

۱. وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لَّهِ.

۲. أَفْضَلُ النَّاسِ مَنَ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبُّهَا بَقْلُهُ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ كَأَنَّ بَيْتَهُ عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أَمْرِ عَلَى يُشِر.

۳. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.

۴. وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.

تزکیه، شکوفا و علایق و وابستگی‌های آن هدفدار شده، متعلق دوستی‌ها و نفرت‌های آن در راستای کمال قرار می‌گیرد.

در استناد تزکیه به قلب می‌توان گفت که اولاً، در قرآن کریم اسناد تزکیه برای انسان به نفس داده شده است: «هر کس تزکیه کند، همانا نفس خود را پاک و شکوفا کرده است» (فاطر، آیه ۱۸). در آیات فراوانی نیز، نفس به معنای قلب آمده است: احزاب، آیه ۳۷؛ فاطر، آیه ۸؛ یوسف، آیه ۷۷؛ ق، آیه ۱۶؛ طه، آیه ۹۶... (فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۴، ص ۱۵۳۵). همچنین بر عکس، در چندین مورد، قلب نیز به معنای نفس به کار رفته است: بقره، آیه ۲۸۳؛ ق، آیه ۳۳ و... (محمدی ری‌شهری، ج ۸، ص ۲۱۴)

ثانیاً، با توجه به کاربرد فراوان واژه قلب و کلمات مترادف با آن در قرآن کریم و عدم کاربرد واژه‌ای دیگر برای شکوفایی و پرورش قوای عاطفی در آنها، می‌توان گفت واژه تزکیه برای شکوفایی قلب به کار رفته است؛ چنانچه برخی از مفسران، متعلق تزکیه را به قلب نسبت داده‌اند. ملاصدرا در تفسیر آیه ۱۴ سوره مبارکه اعلی می‌فرماید: «مراد از تزکیه نفس، پاک نمودن قلب از رذایل است» (صدرالمآلهین، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۸۹). مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه، به عنوان یک قول آن را پذیرفته و چنین بیان می‌کند: «قول دیگر در این باره این است که منظور از تزکیه، پاک‌سازی دل از رذایل اخلاقی و انجام اعمال صالح است، به قرینه آیات فلاح در سوره مؤمنون و به قرینه آیه ۹ سوره شمس». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۰۲)

ثالثاً، اکثر واژه‌های نسبت داده شده به قلب در قرآن، دارای بار عاطفی است؛ مانند قلب به عنوان «مشأ رحمت و رأفت» (حدید، آیه ۲۷)، «مرکز انس گرفتن با دیگران» (انفال، آیه ۶۳)، «ترس و وحشت» (انفال، آیه ۱۲)، «غلظت و سختی» (آل عمران، آیه ۱۵۹)، «نرمی و ملایمت» (آل عمران، آیه ۱۵۹)، «اشمئزاز و انزجار» (زمر، آیه ۴۵) و... (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۸). از طرف دیگر، قلب به عنوان مهم‌ترین عضو در روح و روان آدمی، در قرآن نقش آفرینی کرده و استعمال شده است؛ مانند قلب به عنوان «مرکز هدایت و ضلالت» (آل عمران، آیه ۷)، «منبع سلامت روحی و روانی» (صافات، آیه ۸۴)، «منشأ بیماری‌های روانی» (بقره، آیه ۱۰)؛ «امام و راهنما برای سایر اعضای بدن»، «فرمانده و مالک آنها»، «طرف پذیرش وجود خدا» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۵۰۳) و «منشأ حُب و بغض» که در روایات فراوانی به معنای تمام دین و اساس دین مطرح شده است. (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۵)

۱. مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ.

۲. قال رسول الله (ص): اوثق عرى الإيمان الحب في الله والبغض في الله وتوالتى اولياء الله والتبري عن اعداء الله.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ♦ ۷۹

با توجه به موارد پیش گفته، باید سؤال کرد پس منظور از تزکیه قلب و نفس چیست؟ با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی تزکیه و کاربرد آن درباره قلب، به عنوان مرکز احساسات، عواطف و هیجانات و با توجه به کاربردهای دوگانه برای آن و معنای متقابل ذکر شده برای تزکیه؛ می‌توان این گونه بیان کرد که یک بُعد تزکیه به زدودن قلب از تمایلات حقیر دنیایی و پاک کردن نفس از گناهان و تمایلات شهوانی و خواهشهای نفسانی است. بُعد دیگر قلب و معنای دوم تزکیه، به معنای شکوفا و بارور کردن استعدادها و خصوصیات مثبت عاطفی و رشد دادن فضایل و کرامات اخلاقی در قلب است. بنابر این، در ذیل برخی آیه‌های مربوط به تزکیه نفس (فاطر، آیه ۱۸)، مشاهده می‌شود که قرآن کریم نتیجه تزکیه را صیروت و کامل شدن نفس (قلب) بیان می‌فرماید.

به عبارتی؛ تزکیه، آن رشدی است که ماهیت قلب و قوای نفسانی را آنچنان تغییر داده که صیروت جوهر وجودی انسان را خدایی و ظرفیت خدایی انسان را سرشار از عواطفی قرار می‌دهد که او را به سوی اسما و صفات جمالیه الهیه حرکت داده، به مقصد کمال و قرب الهی نزدیک می‌کند. در این رابطه، در روایتی وقتی از جایگاه خدا در روی زمین سؤال می‌کنند، پیامبر اکرم (ص) قلب انسانهای مؤمن را مأمین قرار گرفتن صفات الهی خدا بیان می‌فرمایند (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۵۰۵). بدین وسیله، تزکیه با پاک کردن قلب معنوی از صفات رذیله و شکوفا کردن ویژگی‌های فضیله و پاکیزه آن، باعث می‌شود انسان به سوی مقصد و مقصود خود که رسیدن به قرب خدای متعال است، حرکت کند.

بحث و نتیجه گیری

بحث نظریه پردازی در تلفیق حوزه علم و دین، یکی از ضرورت‌هایی است که امروزه در تبیین مفاهیم دینی و در غنا بخشیدن به موضوعات علمی می‌تواند کمک شایانی به پیشرفت و توسعه علم و دین بکند. این مقاله در راستای این مهم، به تبیین مفاهیم دینی در حوزه شناخت و عاطفه پرداخته است. در این رابطه، مفاهیم مرتبط با این دو حوزه، در سه موضوع ساختار، محتوا و فرایند تبیین شده است. چنانچه در متن مقاله مطرح شد، عقل، مرکز ساختاری شناخت و قوای ادراکی است که توانایی ادراک و تشخیص نیکی‌ها و حقایق، تدبیر امور مربوط به مسائل دنیوی، آخروی و... را دارد. علم، مجموعه‌ای از معلومات و دانش‌هایی است که به صورت اکتسابی یا حضوری وارد ذهن و عقل انسان شده، به عنوان محتوای آن سازمان در فرایند تعلیم، استعدادهای ساختاری و قوای شناختی عقل را از قوه به فعل تبدیل می‌کند.

در همین راستا، قلب نیز به عنوان یک جزء ساختاری از خلقت فطری و معنوی انسان، قوای عاطفی و

۸۰ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۶/ سال پانزدهم، شماره ۱/ بهار ۱۳۹۰

تمایلات را به صورت محتوایی در فرایند تزکیه و تهذیب شکوفا می‌کند. تزکیه، به فرایند شکوفایی و تکاملی نگرش‌ها و کشش‌های مثبت قلب با محتواهای عاطفی، همچون: رحمت، رأفت، انس، الفت، ذکر، انابه و... اشاره دارد که انسان را به کمال و تعالی سوق می‌دهد. تهذیب، به پاک کردن و زدودن دل از تمایلات شهوانی و خواهشهای نفسانی، با محتواهای منفی همچون: حرص، حسد، بخل، غیظ، قساوت و... اشاره دارد که انسان را از حضيض ذلت و سقوط به اسفل سافلین باز می‌دارد. بر این اساس، تزکیه و تهذیب، در دو بُعد نیاز قلب و نفس، به پاک کردن قلب از تمایلات شهوانی و زدودن نفس از گناهان و دل‌ن بستن به مظاهر دنیوی و از بین بردن صفاتی همچون: کبر، غلظت، قساوت، ترس، اضطراب، حسرت و... از یک طرف و شکوفا و بارور کردن استعدادهای مثبت، آرزوها و امیدها در مسیر تقرب و کمال و دستیابی به خصوصیات مثبت و رشد دادن فضایل و کرامات اخلاقی در قلب، مانند: صمیمیت، انس، الفت، انابه، آرامش، خشوع و... می‌پردازد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳)، قم، دارالقرآن الکریم، چ دوم.
- نهج الفصاحه؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده (۱۳۶۰)، تهران، جاویدان.
- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹) قم، مشرقین، چ چهارم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، چ سوم.
- استرنبرگ، رابرت (۱۳۸۷)؛ روان‌شناسی شناختی، ترجمه کمال خرازی و الهه حجازی، تهران، سمت.
- پروین، لارنس (۱۳۷۲)؛ روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۷)؛ غورالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، دارالکتاب.
- راغب اصفهانی (۱۳۶۲)؛ مفردات فی الفاظ القرآن، تهران، خورشید، چ دوم.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۱)؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، چ هفتم.
- شولتز، دوآن (۱۳۷۷)؛ نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، هما.

تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام ❖ ۸۱

- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ ق)؛ *من لا یحضره الفقیه*، قم، اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ سوم.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)؛ *تفسیر القرآن الکریم (صدرا)*، تحقیق محمد خواجه‌جوری، قم، بیدار، چ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق)؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)؛ *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)؛ *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳)؛ *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ *بحار الانوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)؛ *میزان الحکمه*، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد با همکاری جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۶)، *حکمت نامه پیامبر اعظم*، قم، دارالحديث، چ اول.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)؛ *مشکات مصباح (اخلاق در قرآن)*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)؛ *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، الزهراء، چ دهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)؛ *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مهدیان، محمدجعفر (۱۳۸۵)؛ *مبانی و اصول تعلیم و تربیت* (با رویکرد جامع‌نگری و آینده‌پژوهی)، تهران، ساوالان.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۶۱)؛ *معراج السعاده*، تهران، رشیدی، چ دوم.

▪ نیک‌صفت، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ **ترجیح علم یا عشق**، در انجام واجبات یا ترک محرمات بین دانشجویان و دانش‌آموزان (چاپ نشده).

- Clayton, Susan & Gene Myers (2009). **Conservation Psychology, Understanding and Promoting Human Care for Nature**, First Edition Published, Wiley & Sons Publication.
- Clore, Gerald & Janet Palmer (2009). **Affective guidance of intelligent agents :How emotion controls cognition**, Cognitive Systems Research, Vol.10, Issue 1, March, P.21-30.
- Tashiro, Ty & Patricia Frazier (2007). **Journal of Counseling Psychology**, Vol.54, Issue 4, P.409-422.

